

بررسی وجود یا عدم «ترمیدور» در انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر دیدگاه رهبر معظم انقلاب

حمزه عالمی چراغعلی*

چکیده

این پژوهش موضوع وجود یا عدم «ترمیدور»^۱ در انقلاب اسلامی ایران را با مروری تاریخی - تحلیلی بر حوادث دوران جمهوری اسلامی از آغاز تا چهار دهه بعد از آن، بررسی می‌کند. این بحث در دیدگاه مقام معظم رهبری مبنی بر عدم بازگشت انقلاب اسلامی از آرمان‌های خود ریشه دارد. در این پژوهش، دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه عدم وقوع ترمیدور در انقلاب اسلامی ایران، در مقام یک نظریه مطرح شده است و بر این اساس، این سؤال مطرح شده که چگونه آرمان‌های انقلاب اسلامی با گذشت چهل سال از وقوع انقلاب به حیات خود ادامه می‌دهند و دچار ارتجاع نشده‌اند؟ برای انجام این پژوهش، ابتدا چپستی آرمان‌های انقلاب اسلامی در سه حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ تشریح شده است و سپس تحقق یا عدم تحقق این آرمان‌ها در حوزه‌های مذکور، در دوران بعد از انقلاب و در جریان رخدادها و حوادث مهم چهل‌ساله اول مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش، ضمن تأیید عدم بازگشت جمهوری اسلامی از آرمان‌های انقلاب اسلامی، چگونگی این موضوع را در این می‌داند که تثبیت نسبی آرمان‌ها و ارزش‌ها در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی مانع از وقوع ارتجاع در انقلاب اسلامی ایران شده است.

* دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (hz.alemi@gmail.com)

۱. واژه ترمیدور یکی از ماه‌های تقویم فرانسه بعد از انقلاب ۱۷۸۹ میلادی است و در اصطلاح سیاسی به معنای دوره بازگشت انقلاب از آرمان‌های خود معروف شده است.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌های انقلاب اسلامی، حکومت دینی، ثبات سیاسی، حقوق سیاسی مردم، عدالت.

طرح مسئله

هر انقلابی علاوه بر این‌که از جمع سه عنصر رهبری، ایدئولوژی و حضور مردمی حاصل می‌شود، نیازمند وحدت و اتفاق نظر نیروها، افکار و اندیشه‌های مختلف حول یک گفتمان محوری در مقابل نظام سیاسی موجود است و بنابراین با پیروزی یک انقلاب، مهم‌ترین موضوع چگونگی تعامل گرایش‌های فکری و سیاسی مختلف حول آن گفتمان غالب است، از این‌رو، منازعه و اختلاف نظر پس از هر انقلابی پدیده‌ای طبیعی محسوب می‌شود؛ اما مسئله مهم تداوم و یا عدم تداوم حیات آرمان‌ها و ارزش‌های یک انقلاب در بحبوحه تحولات فکری و منازعات سیاسی بعد از پیروزی انقلاب است که از آن با عنوان وقوع ترمیدور یا عدم وقوع آن نیز می‌توان یاد کرد. این مسئله، یکی از موضوعات مورد توجه مقام معظم رهبری است و ایشان تداوم حیات آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در دوران بعد از پیروزی و عدم وقوع ارتجاع (ترمیدور) در انقلاب اسلامی را در چند سخنرانی و با نگرشی مقایسه‌ای با دوران بعد از انقلاب‌های فرانسه، آمریکا و روسیه مطرح کرده‌اند. یکی از سخنرانی‌های مفصل معظم‌له در این موضوع، در دیدار جمعی از دانشجویان در ماه رمضان ۱۳۹۰ ابراز شد. معظم‌له در این سخنرانی، با تشریح وقایع بعد از انقلاب‌های فرانسه، روسیه و آمریکا، تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی در دوران بعد از پیروزی را در مقایسه با کشورهای مذکور مورد تأکید قرار دادند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912>).

همچنین بیانیه گام دوم انقلاب که رهبر معظم انقلاب به مناسبت چهل سالگی انقلاب اسلامی آن را صادر کردند، در واقع زنده بودن آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی را مبنای بحث قرار می‌دهد و از همین‌رو معظم‌له در ابتدای این بیانیه می‌گویند:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک جلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

در این پژوهش، دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه عدم وقوع ترمیدور در انقلاب اسلامی ایران، در مقام یک نظریه مطرح شده است و بر این اساس، این سؤال مطرح شده که چگونه آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی با گذشت چهل سال از وقوع انقلاب به حیات خود ادامه می‌دهند و دچار ارتجاع نشده‌اند؟

در نگاه اولیه به نظر می‌رسد تثبیت و نهادینه‌شدن نبسی آرمان‌های انقلاب اسلامی در ساختارهای نظام سیاسی بعد از انقلاب، یعنی جمهوری اسلامی ایران، سبب زنده ماندن آرمان‌های انقلاب اسلامی و عدم وقوع ارتجاع در این انقلاب شده است. برای بررسی این فرضیه با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی، ابتدا چیستی آرمان‌های انقلاب اسلامی در سه حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ را شرح می‌دهیم و سپس به بررسی تحقق یا عدم تحقق این آرمان‌ها در حوزه‌های مذکور، در دوران بعد از انقلاب و در جریان رخدادها و حوادث مهم چهل‌ساله اول پرداخته و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. چیستی آرمان‌های انقلاب اسلامی

از آنجا که در مواجهه با آرمان‌ها و اهداف بسیاری از انقلاب‌ها، برای‌بندی از شعارها، ایدئولوژی غالب و اندیشه رهبران انقلاب را مد نظر قرار می‌دهند، استخراج آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی چندان کار دشواری نیست.

۱.۱. آرمان‌های انقلاب از دیدگاه شعارهای انقلابی

یکی از پژوهش‌های مورد استناد، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را از دیدگاه شعارهای دوران انقلاب که چکیده‌ای از ایدئولوژی انقلاب اسلامی از زبان مردم و نخبگان سیاسی آن روز هستند، قابل مطالعه دانسته است (پناهی، ۱۳۷۹: ۷-۱۷۸). این شعارها در جداول ذیل دسته‌بندی شده است:

نوع شعار	تعداد	درصد
اهداف و ارزش‌های فرهنگی	۳۵۹	۵۴/۵
اهداف و ارزش‌های سیاسی	۲۶۱	۳۹/۶
اهداف و ارزش‌های اقتصادی	۳۹	۵/۹

در زمینه ارزش‌های فرهنگی، توزیع شعارها به صورت ذیل است:

درصد	تعداد	نوع اهداف فرهنگی
۴۱/۳	۱۴۸	ارزش شهادت و جانبازی در راه اسلام
۳۰/۹	۱۱۱	دین اسلام و اهمیت و ضرورت آن
۱۷	۶۱	اسطوره‌های اسلامی
۶/۴	۲۳	ارزش حجاب اسلامی
۳/۶	۱۳	ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی دیگر
۰/۸	۳	دیگر موارد فرهنگی

توزیع شعارهای سیاسی نیز به صورت ذیل است:

درصد	تعداد	انوع اهداف فرهنگی
۲۶/۴	۶۹	آزادی سیاسی و حقوق سیاسی
۲۱/۵	۵۶	جمهوری اسلامی
۶/۱	۱۶	حکومت اسلامی
۱۷/۶	۴۶	نهادهای سیاسی خاص
۱۶/۹	۴۴	اهداف و ارزش‌های سیاسی دیگر
۱۱/۵	۳۰	دیگر شعارهای مربوط به اهداف سیاسی

شعارهای اقتصادی - که کم‌ترین تعداد و فراوانی شعارها را دارند - در سه شعار علیه فقر و محرومیت اقتصادی و ۳۲ شعار در حمایت از طبقات محروم جامعه خلاصه می‌شوند. به عبارت دیگر، حدود ۹۰ درصد این شعارها در حمایت از طبقات محروم و مقابله با فقر و محرومیت در جامعه بوده است (همان).

نکته مهمی که از این پژوهش استخراج می‌شود، این است که چون در شعارهای سلبی، خواسته‌های سیاسی غالب هستند و در شعارهای ایجابی، ابتدا آرمان و اهداف فرهنگی قرار دارند و سپس با فاصله نه چندان زیادی آرمان‌های سیاسی قرار داشته و خواسته‌های اقتصادی بسیار کم‌رنگ هستند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، میان اهداف فرهنگی و سیاسی در انقلاب اسلامی پیوند وثیقی وجود دارد و در نتیجه آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را باید سیاسی - فرهنگی دانست و اهداف اقتصادی چنان‌که مشخص است، بیش از همه خود را در رفع فقر و برقراری عدالت نشان می‌دهد و این موضوع نیز ماهیت فرهنگی و سیاسی دارد تا اقتصادی.

۲.۱. آرمان‌های انقلاب در کلام رهبران انقلاب اسلامی

اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، افزون بر این‌که خود را در شعارهای انقلابیون نشان می‌دهد، در اندیشه و گفتار رهبران انقلاب نیز تجلی یافته است. در اینجا با استناد به تحقیقی که در صحیفه امام خمینی علیه السلام در این موضوع صورت گرفته، این اهداف بر اساس فراوانی که این مفاهیم در بیانات حضرت امام علیه السلام دارند، به صورت ذیل استنباط می‌شود: (شایگان، ۱۳۸۱:

۹۵-۱۲۴)

مقولات	فراوانی	درصد
نظام جمهوری اسلامی	۵۳	۱۸/۵
حکومت اسلامی	۳۹	۱۳/۶
نهادهای سیاسی	۱۵	۵/۲
آزادی و مشارکت سیاسی	۴۵	۱۵/۷
دیگر ارزش‌ها و ایده‌آل‌های سیاسی	۴۰	۱۴/۱
دیگر موارد مرتبط با امور سیاسی	۹۴	۳۲/۹
جمع	۲۸۶	۱۰۰/۰

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را روشن و واضح می‌داند و در بیانات‌شان به فراوانی این موضوع را تشریح کرده‌اند. ایشان، در یکی از این بیانات در این باره می‌گویند:

اهداف، اهداف روشنی بود. هدف اسلام‌خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت‌بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. انسان وقتی در فرمایشات امام علیه السلام و در اسناد اصلی انقلاب اینها را نگاه می‌کند، می‌بیند که همه اینها در متون اسلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزء پایه‌های اصلی انقلاب است. این خط، ادامه پیدا کرده؛ این خط، انحراف پیدا نکرده، این خط، زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب می‌گذرد؛ این خیلی حادثه مهمی است (-> <https://farsi.khamenei.ir/speech> -> <https://www.khamenei.ir/content?id=16912>).

در مجموع، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سبب ریشه داشتن در فرهنگ و سنت جامعه ایران، موضوعاتی روشن بوده و در جامعه نهادینه شده بود. به صورت کلی، در حوزه سیاست تأکید بر حکومت دینی و برخورداری افراد از حقوق سیاسی (که در جمهوری اسلامی در قالب مردم‌سالاری دینی تبلور یافت)، استقلال و قطع مداخله بیگانگان (استکبارستیزی)، در حوزه فرهنگ و اجتماع، اجرای احکام اسلامی در جامعه، عزت و اعتلای افراد جامعه و بزرگداشت و اجرای مناسک دینی و در حوزه اقتصاد عدالت و رسیدگی به مستضعفین رؤس آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد.

۲. چهل ساله بعد از انقلاب و چگونگی تداوم آرمان‌های انقلاب

آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران نشانه بارزی از ممتاز بودن این انقلاب در عرصه جهانی است و این مهم به کرات از سوی رهبر معظم انقلاب تشریح شده است. جدیدترین بیانات ایشان در این زمینه در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

چنان‌که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می‌گویند، بدیهی است که وقوع انقلاب اسلامی با ویژگی‌هایی الهی- مردمی، دشمنی قدرت‌های شرقی و غربی را برمی‌انگیخت؛ اما ریشه‌دار بودن آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در تاریخ، فرهنگ، سنت و اعتقادات مردم ایران و تعهد ایمانی رهبران انقلاب به حفظ این آرمان‌ها و اهداف سبب شد تا انقلاب اسلامی دچار رکود و ارتجاع نشود. مسئله مهم در این پژوهش، تشریح چگونگی تداوم این آرمان‌ها در حیطه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و با روندی نسبتاً تاریخی در چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی است که این بحث را می‌توان در محورهای ذیل بررسی کرد:

۲.۱. برپایی حکومت دینی و استقرار ثبات سیاسی

چنان‌که گفته شد، مهم‌ترین آرمان و اهداف انقلاب اسلامی برقراری حکومت دینی بود. این آرمان، صورت‌بندی سیاسی خواسته‌های مردم بود و مردمی بودن همین امر سبب شد ساختار جمهوری اسلامی با سرعت، در حالی که پشتوانه آرای اکثریت مردم را به دنبال داشت، استقرار یابد.

از زمستان ۱۳۵۷ که حکومت پهلوی به پایان خود نزدیک می‌شد، حضرت امام علیه السلام تدابیری را برای ایجاد ساختار سیاسی پس از انقلاب اندیشیدند. تدابیر ایشان مبتنی بر نظریه حکومت اسلامی بود که مباحث مربوط به آن را از سال ۱۳۴۴ در حوزه علمیة نجف مطرح و در سال‌های پایانی دهه ۴۰، بحث ولایت فقیه را به صورت رسمی آغاز کردند (روحانی، ۱۳۶۴: ۱۵۱-۱۸۰). طبق تدبیر ایشان شورای انقلاب در نیمه آذر ۱۳۵۷ تشکیل شد که وظیفه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از دولت بختیار به نیروهای انقلابی را برعهده داشت؛ اما حوادث بعدی و به‌ویژه آتش گشودن بر روی تظاهرات مردم تهران در ۶ بهمن ۱۳۵۷، هرگونه تساهل با دولت بختیار را منتفی کرد (یزدی، ۱۳۶۳: ۱۷۲). با ورود امام خمینی علیه السلام به ایران، ایشان مهندس بازرگان را به نخست‌وزیری دولت موقت منصوب کردند و طی حکمی، مقدمات همه‌پرسی تغییر رژیم، برگزاری مجلس مؤسسان و انجام انتخابات مجلس را از وی خواستار شدند (برزین، ۱۳۷۴: ۲۶۷-۲۶۸).

دولت موقت از بهمن ۱۳۵۷ تا تقریباً اواسط آبان ۱۳۵۸، حدود ۹ ماه سر کار بود و طی این مدت با مسائل زیادی مواجه شد. به‌صورت کلی، آنچه به موضوع این پژوهش مربوط می‌شود، این است که هر چند دولت موقت که متکی به اعضای نهضت آزادی بود، با خواسته‌های جامعه انقلابی فاصله داشت؛ اما این اقدامات به اصل حرکت انقلابی امام و امت خدش‌های وارد نکرد و مهم‌تر از همه، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در سطح جامعه و کلیت ساختار سیاسی با قوت زنده بود و دنبال می‌شد. این موضوع را با مروری تاریخی - تحلیلی بر حوادث این زمان می‌توان دریافت:

۲.۱.۱. ثبات و نهادمندی سیاسی با وجود تهدیدات داخلی و خارجی

انقلاب اسلامی که داعیه مردم‌سالاری دینی داشت، بلافاصله نهادهای سیاسی مردم‌سالار را مستقر کرد. دولت موقت تا ۲۸ بهمن، شکل مقدماتی خود را پیدا کرد و اعضای آن به تأیید شورای انقلاب و حضرت امام خمینی علیه السلام رسیدند. طی این مدت، اختلاف‌نظرهایی میان دولت بازرگان و نیروهای انقلابی وجود داشت. از آنجا که نهادهای نظام هنوز استقرار کاملی نیافته بودند، گروهک‌های چپ از این وضعیت سوءاستفاده کرده و به تحریکات مختلفی دست می‌زدند. موضوع چگونگی محاکمه مقامات حکومت پهلوی نیز از دیگر اختلافات میان دولت موقت و نیروهای انقلابی، مجاهدین و اعضای دادگاه انقلاب بود (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۱۵۸-۱۵۹)، با این‌همه رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام

مانع بحرانی شدن اوضاع می‌شد. در این زمان که حضرت امام علیه السلام قصد مهاجرت از تهران به قم را داشتند، پیام ۱۴ ماده‌ای را درباره وضعیت کشور خطاب به مردم صادر کردند که جدیت ایشان در نهادسازی و برقراری ساختار سیاسی نوین را در مقابل تحركات خارج از مرکز نشان می‌دهد. در این پیام، ایشان خواهان محاکمه علنی محکومان رژیم پهلوی شد؛ از کمیته‌ها خواست به محض مسلط شدن دولت بر اوضاع شهرها، فعالیت‌های کمیته‌ها به قوای دولتی تسلیم شود و از دخالت در امور خودداری کنند؛ به اعضای کمیته‌ها و زندانبان‌ها حکم کرد که با زندانیان، هر کس که باشد، به‌طور انسانی و اسلامی رفتار کنند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸، ج ۶: ۲۶۱-۲۶۶).

در چنین شرایطی نیروهای چپ‌گرای مسلح همچنان به تحركات خود ادامه می‌دادند و از ماه پایانی سال ۱۳۵۷ در استان‌های مرزی ایران سر به شورش برداشتند. چریک‌های فدایی خلق در گنبد کاووس، حزب خلق مسلمان در آذربایجان، خلق عرب در خوزستان و حزب دموکرات کردستان و کومله در کردستان و... از جمله این تحركات بود (مهدی عراقی، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۴۳). همزمان با تحركات گروهک‌های تجزیه‌طلب، مجاهدین خلق که هنوز چهره نفاق آنان آشکار نشده بود، به سرعت در بدنه جامعه، به‌ویژه دانشگاه‌ها و نهادهای سیاسی نفوذ خود را گسترش دادند و با یارگیری از بدنه جوان جامعه، هواداران خود را مسلح، و در یک جبهه‌بندی شدید در مقابل جمهوری اسلامی به خط کردند (سازمان مجاهدین خلق، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۹۲-۳۷۰). علاوه بر این‌ها، در این زمان، گروهک التقاطی فرقان سر برآورد و با همه نهادهای مستقر از دولت موقت گرفته تا شورای انقلاب و نهادهای انقلابی به مخالفت برخاست و در سال ۱۳۵۸ به ترور شخصیت‌های مهم دست زد. سپهبد قرنی، اولین رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی و آیت‌الله مطهری از اولین افرادی بودند که توسط فرقانیان ترور شدند (کردی، ۱۳۸۹: ۲۶۶-۲۶۷).

این بحران‌های امنیتی که گویای آزادشدن نیروهای سیاسی مختلف به‌واسطه انقلاب اسلامی است، مانع حرکت جمهوری اسلامی در ریل نهادسازی نشد و با وجود همه این بحران‌ها، هیچ‌گاه صحنه سیاست در ایران پس از انقلاب به سوی تعطیلی نهادهای دموکراتیک سوق نیافت. در ۴ خرداد ۱۳۵۸ امام خمینی علیه السلام طی حکمی به نخست‌وزیر، بازرگان، از وی خواست:

طرح قانون اساسی را - که شورای طرح‌های انقلاب، مشغول تدوین و تکمیل آن هستند - با سرعت تکمیل و به تصویب شورای انقلاب رسانده و هر چه زودتر در اختیار

افکار عمومی بگذارید تا همه صاحب‌نظران و تمامی اقشار ملت - در مدت محدودی که تعیین می‌نمایید - پیشنهادها و نظرات خود را درباره آن ابراز نمایند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸، ج: ۶، ۴۸۲).

به دنبال این، قانون اساسی جمهوری اسلامی با تشکیل مجلس مؤسسان (که به مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی معروف شد)، تهیه و تصویب شد. در ادامه، نمایندگان این مجلس از طریق انتخابات عمومی برگزیده شدند و کار بررسی نهایی قانون اساسی از ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ را آغاز کردند (فوزی، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۲۴۶-۲۵۴).

اتفاق دیگر در این زمان، تسخیر سفارت آمریکا در تهران (کانون توطئه و جاسوسی علیه انقلاب اسلامی) بود که در اعتراض به مداخلات آمریکا در ایران و به‌ویژه دیدار بازرگان با برژینسکی در حاشیه جشن انقلاب الجزایر در آن کشور به وقوع پیوست. این رخداد که توسط دانشجویان خط امام صورت گرفت، مورد حمایت امام خمینی علیه السلام واقع گردید و ایشان از آن با عنوان «انقلاب دوم» یاد کردند. تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گرفتن اعضای آن، گویای اعتماد به نفس و شجاعت نیروهای انقلابی در مقابل ابرقدرت‌های آن روز بود و همین شجاعت و اعتماد به نفس جوهر اصلی ثبات سیاسی جمهوری اسلامی را تشکیل داده و می‌دهد. برچیده شدن سفارت آمریکا از تهران، همچنین موضع نیروهای انقلابی در مقابل نهضت آزادی و نیروهای ملی‌گرا را تقویت کرد و اندیشه و خط امام خمینی علیه السلام را در میان سایر جریانات فکری رقیب تثبیت نمود.

بعد از تسخیر سفارت و استعفای دولت موقت، شورای انقلاب، حدود هشت ماه قدرت اجرایی را در دست داشت و طی این مدت درگیر حل مسئله گروگان‌گیری و برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی بود. در این زمان، رقابت فشرده‌ای میان نیروهای سیاسی مختلف بر سر پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس وجود داشت. در نهایت با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، بنی‌صدر به قدرت رسید و نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی، کرسی‌های مجلس را آن خود کردند. در دوران ریاست‌جمهوری بنی‌صدر، که محمدعلی رجایی نخست‌وزیری را برعهده داشت، حوادث سیاسی مهمی به وقوع پیوست. دو حادثه مهم شکست حمله هوایی آمریکا به ایران در صحرای طبس و کشف و خنثی‌سازی کودتای نوژه، از جمله این حوادث بود که هر دو طی همکاری

نیروهای ضد انقلاب داخلی با دشمن خارجی شکل گرفتند؛ اما در مقابل نصرت الهی شکست خورده و نتوانستند ضربه‌ای به نظام سیاسی وارد کنند (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۴۰-۲۴۵). حادثه مهم‌تر آغاز جنگ تحمیلی بود که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله هوایی عراق به ایران شروع شد. در دوران جنگ تحمیلی نیز ثبات و نهادمندی سیاسی در دوران بعد از انقلاب همچنان با قوت ادامه یافت و بدون اینکه ساختار سیاسی به جهت وجود تهدیدات داخلی و خارجی دستخوش تغییر شود، وظایف خود را بدون هیچ وقفه‌ای انجام می‌داد.

۲.۱.۲. آزادی و مشارکت سیاسی با وجود تهدیدات امنیتی

در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب، ضمن این که حاکمیت دینی در قالب نهادهای سیاسی باثبات تحقق پیدا کرد، دیگر آرمان‌های سیاسی همچون آزادی و مشارکت مردم در قدرت نیز با وجود تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی حفظ شد و این آرمان‌ها به سود حفظ امنیت به حاشیه رانده نشد. در این زمان، افزون بر جنگ تحمیلی بحران‌های دیگری پیش‌روی جمهوری اسلامی پدید آمد، از جمله این که منافقین در سایه حمایت‌های بنی‌صدر روزبه‌روز بر قدرت و جسارت خود افزوده، آزادانه در خیابان‌های تهران رژه می‌رفتند و با سیاست‌های نظام مخالفت می‌کردند. خصومت آنان با جمهوری اسلامی تا جایی بود که در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، در بجنوبه جنگ تحمیلی، از داخل کشور به حکومت اعلام جنگ دادند و به ترور مردم و مسئولان دولتی اقدام کردند که مهم‌ترین آن، حادثه هشتم شهریور ۱۳۶۰، یعنی انفجار دفتر نخست‌وزیری بود که سبب شهادت محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران و چند نفر دیگر از مسئولان کشور شد.

در کنار این وقایع، اعضای نهضت آزادی نیز با ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر مخالف بودند و به صورت آزادانه مواضع خود را بیان می‌کردند. هیچ یک از این اتفاقات به تمرکز قدرت سیاسی نینجامید؛ هر چند در این زمان برخی از نیروهای فعال سیاسی، همچون نهضت آزادی سهمی در قدرت نداشتند؛ اما در هر حال فضای عمومی جامعه با ایده‌های نهضت آزادی و شخص بازرگان همراهی نداشت و ساختار سیاسی قدرت مبنی بر خواسته‌ها و علایق اکثریت جامعه بود، با این حال، این مسائل سبب محدودسازی نهادهای مردم‌سالار نشد و آرمان آزادی و مشارکت سیاسی مردم در قدرت در سایه برپایی حکومت دینی، سرزنده بودن خود را حفظ کرد.

در ادامه تحولات بعد از انقلاب اسلامی، زمانی که طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس تصویب و سپس توسط حضرت امام علیه السلام عزل شد، بلافاصله انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار گردید. در دومین انتخابات ریاست‌جمهوری محمدعلی رجایی به ریاست‌جمهوری ایران انتخاب شد و وی حجت‌الاسلام باهنر را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کرد و از مجلس رأی اعتماد گرفت؛ اما یک ماه بعد با انفجار دفتر نخست‌وزیر به دست عوامل نفوذی هر دو به شهادت رسیدند. سومین انتخابات ریاست‌جمهوری در دهم مهر ۱۳۶۰ انجام شد که در نتیجه آن آیت‌الله خامنه‌ای، به ریاست‌جمهوری انتخاب شد (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۳). انتخاب ایشان با رأی قاطع بیش از ۱۶ میلیون نفر، دو معنای مهم داشت: تعمیق مردم‌سالاری دینی در یک نظام سیاسی نوپا و دیگر نهادینه‌شدن گرایش به روحانیت انقلابی در جامعه در مقابل نیروهای نهضت آزادی و ملی‌گراها.

طی این زمان با وجود تهدیدات ناشی از گروهک‌های تروریستی و نوپا بودن نظام جمهوری اسلامی، فضای سیاسی کشور صحنه حضور گرایش‌های مختلف و متکثر سیاسی بود و دو جناح عمده راست و چپ در حزب جمهوری اسلامی فعال بودند. جناح راست متمایل به اقتصاد بازار، و شالوده اصلی آن را حزب مؤتلفه تشکیل می‌داد و جناح چپ به اقتصاد دولتی و توجه بیشتر به مستضعفان گرایش داشت و اعضای آن را هواداران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بیشتر تشکیل می‌دادند. این وضعیت سبب شد تا معرفی نخست‌وزیر به مجلس که از وظایف رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله خامنه‌ای بود، با مسائل جناحی مواجه شود و زمانی که رئیس‌جمهور، علی‌اکبر ولایتی را که به جناح راست نزدیک بود، به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد، اکثریت مجلس که به چپ‌ها تمایل داشت، به وی رأی اعتماد ندادند تا در نهایت میرحسین موسوی، از جناح چپ، به نخست‌وزیری انتخاب شد. در ادامه این تحولات، طبیعی بود که وابستگی نخست‌وزیر به جناح چپ و تعلق رئیس‌جمهور به جناح راست، سبب اختلاف‌نظرهایی شده و به‌ویژه کمبودهای قانون اساسی و تداخل وظایف رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر این اختلافات را تشدید می‌کرد (مؤسسه فرهنگی-هنری قدر ولایت، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۴۱)؛ اما موضوع هیچ‌گاه بحرانی نشد و دو طرف اختلاف‌نظرهای خود را در سایه رهبری معنوی حضرت

امام خمینی علیه السلام و در فضایی گفت‌وگویی حل می‌کردند و البته ضرورت دفاع در مقابل دشمن بعثی نیز وجود وحدت را ضرورت می‌بخشید.

۲.۱.۳. اصلاح ساختار سیاسی در روندی قانونی

با پایان جنگ تحمیلی، قانون اساسی سال ۱۳۵۸ که با توجه به ضرورت تسریع در تصویب قانون و تجربه اول قانون‌نویسی نیروهای مذهبی، از حل برخی مشکلات ساختاری ناتوان بود، در دستور اصلاح و بازنگری قرار گرفت. طی این سال‌ها ساختارهای چهارگانه رهبری، قوه مقننه، مجریه و قضائیه، در مواجهه با تحولات سیاسی به مشکلاتی برخوردند که قانون اساسی ۱۳۵۸ از حل آنها ناتوان بود. مجموعه این مشکلات ضرورت بازنگری در قانون اساسی را سبب شد؛ اما سازوکار بازنگری در این قانون پیش‌بینی نشده بود. در اینجا حضرت امام خمینی علیه السلام در حالی که می‌توانست از اختیارات ناشی از ولایت فقیه و حکم حکومتی استفاده کند؛ اما زمانی دستور بازنگری در قانون اساسی را صادر کرد که دو نامه از سوی نمایندگان مجلس و اعضای شورای عالی قضایی درباره ضرورت این موضوع به ایشان ارسال شد. به دنبال این موضوع، حضرت امام علیه السلام در اردیبهشت ۱۳۶۸، طی حکمی به رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله خامنه‌ای، دستور تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی را صادر کردند.

ترکیب اعضای هیئت بازنگری متشکل بود از افرادی از مجلس خبرگان، قوای مقننه، اجراییه و قضائیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام (که تا آن زمان هنوز شکل قانونی به خود نگرفته بود) و پنج نفر از نمایندگان مجلس. به هر حال، نتایج بازنگری در قانون اساسی که حاصل ۴۱ جلسه این شورا بود، بدین صورت ارائه گردید: اول، در موضوع رهبری: تعدیل توقع شرایط احراز رهبری به شکل حذف مرجعیت؛ توسعه اختیارات رهبری به شکل ولایت مطلقه فقیه و حذف شورایی بودن رهبری؛ دوم، در موضوع قوه مجریه: حذف نخست‌وزیری و دادن اختیارات وسیع‌تر به رئیس‌جمهور از جمله ریاست هیئت وزیران و مسائل مربوط به آن؛ سوم، در موضوع قوه مقننه: قانونمند کردن مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ چهارم، در موضوع قوه قضائیه: اصلاح اصول مربوط به قوه قضائیه با هدف تمرکز بیشتر ساختار آن و جلوگیری از تعدد آرا و نظریات قضایی بود و همچنین روشن شدن منشأ نصب رئیس قوه قضائیه با واگذاری این

حق به رهبری نظام؛ پنجم، در موضوع قانون اساسی: درج اصل ۱۷۷ جهت بازنگری قانون اساسی جدید (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۹-۲۳۵).

اتفاق مهم دیگری که در این زمان رخ داد، رحلت امام خمینی علیه السلام بود که به دنبال آن حرکت معنوی عظیمی در جامعه ایران شکل گرفت و بار دیگر تحکیم وحدت و هویت ملی ایرانیان از رهگذر معنویت در مراسم تشییع ایشان که در تاریخ بی سابقه بود، به اثبات رسید. در پی رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان جلسه تشکیل داد و رهبر بعدی انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای را با اکثریت قاطع آرا به رهبری انتخاب کرد. پس از انتخاب معظم‌له، اصلاحات قانون اساسی در همان مسیری که امام راحل در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خود خواسته بودند، از طرف هیئت ۲۵ نفره انجام گرفت و به همراه انتخابات جدید ریاست جمهوری در ۶ مرداد ۱۳۶۸ به همه‌پرسی گذاشته شد و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی که سال‌ها ریاست مجلس را عهده‌دار بود، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد (مدنی، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۳).

تحولات و رخدادهای سیاسی دهه اول انقلاب، یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، نظام جمهوری اسلامی را رویاروی بی سابقه‌ترین تهدیدات قرار داد؛ اما رهبری دینی، مردمی و همراه با قاطعیت امام خمینی علیه السلام مانع تزلزل ساختار سیاسی نظام شد.

۲.۲. قاعده‌مند کردن کنش سیاسی نیروهای داخلی

با عبور از دهه اول انقلاب اسلامی و وارد شدن به سال‌های میانی دهه ۷۰، برخی از نیروهای سیاسی داخل که در چارچوب نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی تعریف می‌شدند، خطومشی‌های سیاسی متفاوتی را در پیش گرفتند، تا جایی که کنش‌های سیاسی آنان گاه در تقابل با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار می‌گرفت. اساساً شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران و وقوع انقلاب اسلامی سبب شد تا ارزش‌های سیاسی، همچون آزادی عقیده و کلام بیش از پیش در جامعه ایران منتشر شود و گروه‌های مختلف سیاسی را به کنش وا دارد. این ارزش‌ها در حالی که از منظر جمهوری اسلامی پذیرفته هستند؛ اما باید در چارچوب ساختار، نهادها و قوانین کشور حیات خود را ادامه دهند؛ چرا که برای نمونه، آزادی خواهی خارج از چارچوب سیاسی موجود، نوعی شورش تلقی می‌شود و این موضوع در هیچ نظام سیاسی پذیرفته شده

نیست. بنابراین جمهوری اسلامی خواهان محدودسازی آزادی و تحرک سیاسی و اجتماعی نیست؛ بلکه خواهان قاعدمندکردن آن در چارچوب قوانین و نهادهای سیاسی کشور است. این بحث را رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم با عنوان پذیرش «نظام انقلابی» مطرح کرده و می‌گویند:

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

در دوران پس از انقلاب موضوع تقابل آزادی و تحرکات سیاسی با ساختار جمهوری اسلامی در چند مقطع به‌روشنی رخ داد که آن را در ذیل بررسی می‌کنیم:

۱.۲.۲. دوران بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶

یکی از مقاطع مذکور، از دوم خرداد ۱۳۷۶ و تشکیل دولت اصلاحات، به ریاست سیدمحمد خاتمی آغاز شد. در این زمان، گرایش‌های فکری اصلاح‌طلبان و بروز تحولات اجتماعی- فرهنگی از سنخ دگراندیشی و در مقابل حساسیت و مقاومت نیروهای انقلابی در برابر این گرایش‌ها، به تقابل تحرکات سیاسی با نظام سیاسی منجر شد.

قتل‌های زنجیره‌ای در پاییز و زمستان ۱۳۷۷، اولین حادثه مهم پس از دوم خرداد ۷۶ بود که طی آن تعدادی از نویسندگان و روشنفکران منتقد و مخالف نظام ترور شدند و این موضوع، نیروها و نهادهای انقلابی را در معرض اتهام از سوی افکار عمومی قرار می‌داد؛ اما با تأکیدات رهبر معظم انقلاب مبنی بر ضرورت تسریع در شناسایی عوامل این حادثه و با تلاش دولت و نیروهای انقلابی، این چالش خنثی شد و وزارت اطلاعات اعلام کرد برخی از نیروهای این وزارتخانه در این حوادث نقش داشته‌اند (فوزی، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۵). در مجموع، این حادثه سبب تخریب وجهه نیروهای انقلابی شد؛ اما ضربه‌ای به نظام سیاسی وارد نکرد.

حادثه بعدی، اعتراضات دانشجویی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بود که به طور مستقیم نظام سیاسی را هدف قرار گرفت و جمعی از دانشجویان در اعتراض به توقیف روزنامه «سلام» که به سبب طرح ادعای دست داشتن نیروهای اطلاعاتی در شکل دادن به قانون مطبوعات توقیف شده بود، در محوطه کوی دانشگاه به اعتراض دست زدند و نیروی انتظامی نیز در اقدامی هیجانی با ورود به

کوی دانشگاه اوضاع را وخیم‌تر کرد. این اعتراض بیشتر نوعی واکنش ملت‌هتب سیاسی و خشونت‌آمیز بود که در تحلیل نیروهای معترض مبنی بر مانع بودن نهادهای انقلابی پیش‌روی توسعه سیاسی ریشه داشت. در این اعتراضات، اقدامات خشونت‌آمیز و بی‌تدبیری‌های شورای تأمین استان و نیز رفتارهای دوگانه برخی از اعضای دولت خاتمی، از جمله وزیر کشور، سبب گسترش دامنه و افزایش شدت ناآرامی‌ها شد و جمعی به ساختمان‌های دولتی، بانک‌ها و دیگر اموال عمومی حمله‌ور شدند و حتی اراده جدی در میان تعدادی از آنها برای گسترش درگیری‌ها با نیروی انتظامی وجود داشت («حادثه کوی دانشگاه چگونه شکل گرفت؟»، ۱۹ تیر ۱۳۹۲، قابل دستیابی در آدرس www.farhangnews.ir).

در مقابل این بحران، رهبر معظم انقلاب طی سخنرانی در ۲۱ تیر ماه همان سال، همه طرف‌های ماجرا از نیروی انتظامی تا دانشجویان و نیروهای سیاسی را خطاب قرار دادند، ضمن دفاع از وجهه نیروی انتظامی، ورود آنان به خوابگاه دانشجویان را نادرست دانستند؛ دانشجویان را به آرامش و شناخت دشمن و دست‌های پشت پرده این ماجرا دعوت کردند، نسبت به خطر نفوذ دشمن هشدار دادند و به‌ویژه خطاب به احزاب و گروه‌های سیاسی گفتند:

ما اصرار نداریم که همه یک طور فکر کنند؛ اما برای کار سیاسی و درگیری سیاسی، حدی قائل شوید و خط قرمزی بگذارید. بی‌حساب و کتاب با هم مبارزه نکنید که آن قدر مشغول شوید که به دشمن اجازه دهید این‌طور بیاید و داخل این میدان‌ها بشود... برای من، آن خط و این خط و هر خط سیاسی و سلیقه سیاسی دیگر، تفاوت نمی‌کند. برای من، مناظ و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده کشور مطرح است (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2959>).

بنا بر این، معظم‌له ضمن پذیرش آزادی‌اندیشه، خواهان قاعده‌مند شدن کنش نیروهای سیاسی، هوشیاری در مقابل دشمن و احترام به قوانین و ساختار سیاسی کشور شدند. به دنبال این بیانات راهپیمایی بزرگ مردم در ۲۳ تیر ماه شکل گرفت و این حضور گسترده مردمی، تحرکات سیاسی تقابل‌آمیز را خنثی کرد.

حادثه کوی دانشگاه در حالی رخ داد که مجلس ششم نیز با اکثریت نیروهای هوادار خاتمی شکل گرفته بود و هم‌سویی دولت و مجلس و اتفاق‌نظر آنها بر لزوم ایجاد اصلاحات در ساختار سیاسی، نظام سیاسی را بیشتر در معرض پرسش قرار می‌داد. یکی از مهم‌ترین اقدامات

دولت و مجلس ششم در زمینه اصلاح یا ایجاد تغییراتی در نظام سیاسی، لوایح دولتی دولتی خاتمی، یعنی «لایحه اصلاح قانون انتخابات مجلس» و «لایحه تبیین حدود وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور» بود. اصلاح‌طلبان با آگاهی از این‌که این لوایح در شورای نگهبان رد خواهد شد، گام بعدی خود را خروج از حاکمیت و برگزاری همه‌پرسی می‌دانستند. لوایح مذکور در آبان همان سال به سرعت در مجلس ششم که همسو با دولت خاتمی بود، تصویب شد؛ اما شورای نگهبان لایحه اصلاح قانون انتخابات را در ۳۹ مورد، خلاف قانون اساسی و در هفت مورد خلاف شرع دانست و لایحه اختیارات ریاست‌جمهوری را نیز در ۱۰ مورد مغایر قانون اساسی اعلام کرد. رد این لوایح با واکنش تند نیروهای اصلاح‌طلب مواجه شد. آنان با نوشتن نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب خواهان اعمال نظر ایشان در این لوایح برای تصویب شدند؛ اما این اقدامات به جایی نرسید و در نهایت اصلاح‌طلبان با نزدیک شدن به انتخابات بعدی مجلس، سرگرم تدارک برای پیروزی در انتخابات شدند و دولت خاتمی نیز این لوایح را بازپس گرفت («گزارش

فارس از رویارویی اصلاح‌طلبان با قانون/ بخش نخست»، قابل دسترسی در آدرس: www.farsnews.com).

یکی دیگر از اتفاقات سیاسی مهم در این زمان، تحصن نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس بود که در مخالفت با رد صلاحیت نامزدهای همسو با آنان در انتخابات مجلس هفتم شکل گرفت. در این میان، برخی از کارگزاران دولت خاتمی نیز در جمع متحصنان حاضر شده و در بدنه دولت نیز حرکتی برای استعفای دسته‌جمعی صورت گرفت. این اقدامات به دنبال سخنرانی رهبر معظم انقلاب و توصیه آنان به منتقدان و شورای نگهبان راه به جایی نبرد و بیش از هر چیز در جنجال‌های رسانه‌ای و مداخلات لفظی بیگانگان خلاصه شد (<https://javann.ir/001k2Q>).

در مجموع، کنش‌های سیاسی جریان اصلاح‌طلب در تقابل با ساختار قدرت و فشار بر نهادهای نظام، بیش از همه یک کنش گفتمانی و رسانه‌ای بود و اساساً رشد فزاینده مطبوعات در دولت دوم خرداد که اصلاح‌طلبان آن را ابزاری در جهت پیشبرد توسعه سیاسی می‌دانستند، سبب می‌شد تا کنش‌های سیاسی در فضای رسانه‌ای خلاصه شود و جز حادثه ۱۸ تیر ۱۳۸۷، راه به خیابان نبرد، بنابراین، این اقدامات سبب تحولات ساختاری و بی‌ثباتی سیاسی در کشور نشد.

۲.۲.۲. دوران بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸

مقطع مهم دیگر در دوران پس از انقلاب که طی آن بار دیگر اعتراضات سیاسی رویاروی نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت، در ماه‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ بود. این اعتراضات، از سوی افرادی آغاز شد که خود قبلاً جزئی از کارگزاران حکومت محسوب می‌شدند و در بین مردم نیز بیش از آن‌که به مثابه رهبر یک جریان سیاسی شناخته شوند، به‌منزله نیروی سیاسی درون نظام شناخته می‌شدند. بنابراین، این اعتراضات حرکتی بود که طی آن نیروهای سیاسی، بدنه اجتماعی خود را برای دستیابی به اهداف مورد نظر بسیج کردند؛ به همین دلیل رهبر معظم انقلاب از این اعتراضات با عنوان «فتنه» یاد کردند. البته معظم‌له در خطبه‌های ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ با دفاع از همه نامزدهای انتخابات، همگان را به پذیرش قانون و نتیجه انتخابات و آرامش دعوت کردند؛ اما نپذیرفتن قانون و اصرار رهبران این اعتراضات، موسوی و کروبی، بر مواضع خود سبب شد تا رهبر معظم انقلاب با زبان صریح‌تری سخن بگویند و این غائله را فتنه‌ای بدانند که عناصر داخلی طراحی و خارجی‌ها از آن حمایت کرده‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب در ۲ مهر، ۲۹ دی، ۴ آذر و ۲۲ آذر ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8094>).

با وقوع این اعتراضات رسانه‌های انگلیسی همچون بی‌بی‌سی فارسی و شبکه مجازی توئیتر نیز هم‌ه‌توان خود را در اختیار فتنه‌گران قرار دادند و در جهت توسعه و گسترش دامنه اعتراضات و فتنه تلاش رسانه‌ای ویژه‌ای را آغاز کردند.

مجموع این عوامل سبب تداوم اعتراضات شد؛ از اعتراضات خشونت‌آمیز، حمله به اموال عمومی، آتش زدن خودروها و بانک‌ها، حمله به نیروهای انتظامی و پایگاه بسیج گرفته تا اعتراضات مسالمت‌آمیز و راهپیمایی سکوت. با این همه، سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ۲۹ خرداد ۱۳۸۸، پایان‌دهنده اعتراضات خیابانی بود و بدنه اجتماعی معترضان دچار ریزش زیادی شد. پس از این سخنرانی، مجمع روحانیون مبارز که یکی از گروه‌های مرجع معترضان بود، بیانیه‌ای صادر کرد و فراخوان قبلی خود برای راهپیمایی را با ادبیاتی از سر ناچاری لغو کرد. این اعتراضات و فتنه‌گری‌ها زمانی پایان یافت که حاکمیت توانست بدنه اجتماعی گسترده خود را در مقابل شورش سیاسی موجود بسیج کند. البته بسیج عمومی مردم بیشتر یک جوشش درونی در کشور بود و برای نمونه در برخی شهرها همچون رشت، یک روز قبل از اینکه اجتماع

تاریخی ۹ دی صورت گیرد، مردم به صورت گروه‌های خودجوش علیه جریان فتنه تظاهرات کردند. بنابراین یک ارتباط و هم‌پیوندی زیادی میان خواسته‌های اکثریت مردم با حاکمیت برای مقابله با فتنه‌گران وجود داشت و همین موضوع اجازه نمی‌داد تحرکات سیاسی ساختارشکن به موفقیت برسند.

مجموعه این چالش‌ها بیش از هر چیز سبب شد تا نیروهای سیاسی منتقد و حتی مخالف جمهوری اسلامی تنها راه تداوم حیات سیاسی خود را محدودسازی کنش‌ها و تحرکات سیاسی خود در چارچوب نظام سیاسی بدانند و اگر زمانی جریان اصلاح‌طلب گزینه خروج از حاکمیت و برگزاری همه‌پرسی را به منزله ابزار فشاری پیش‌روی نظام مطرح می‌کرد، امروزه تنها راه خود را در مشارکت در قدرت می‌داند و این همه به سبب این است که جریان اصلاح‌طلب میان عبور مبنایی از جمهوری اسلامی با عقاید دینی و سیاسی خود نوعی تضاد احساس می‌کنند و هرچند اقدامات آنان نظام سیاسی را تحت فشار قرار داده؛ اما نمی‌تواند سبب تغییرات مبنایی شود و نظام سیاسی را بی‌ثبات کند.

در نهایت این‌که آرمان برپایی حکومت دینی، در سال‌های پس از انقلاب با وجود مواجهه با چالش‌های سیاسی با گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی نهادینه شده است و البته این وضعیت به معنای نبود تهدیدات، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیست؛ اما نکته مهم ثبات ساختار سیاسی است که هدف و آرمان بسیاری از رهبران و نواندیشان دینی از دوران مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

۲.۳. دفاع از حقوق سیاسی مردم

برخورداری مردم از حقوق سیاسی یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بود. با توجه به مطالعه‌ای که در رخدادهای دولت موقت و سال‌های دفاع مقدس صورت گرفت، می‌توان گفت با وجود بحران‌های امنیتی، ترورها و حمله دشمن خارجی، جمهوری اسلامی هیچ‌گاه حقوق سیاسی مردم را زیر پا نگذاشته و ظرفیت‌های مردم‌سالار نظام را که در واقع مجرای تبلور این حقوق سیاسی هستند، تعطیل نکرده است. با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی و با وجود مواجهه با بحران‌های مهم داخلی و خارجی، مسئولان و مقامات قوای اجرائیه،

مقننه، اعضای شوراهای اسلامی با رأی مستقیم و رهبری نظام با رأی غیر مستقیم مردم انتخاب شده‌اند. نگاهی به تعداد انتخابات‌هایی که از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی ایران انجام شده است و میزان مشارکت و تعداد آرا به‌وضوح این موضوع را نشان می‌دهد («انتخابات‌های برگزار شده در جمهوری اسلامی»، قابل دسترسی در آدرس <https://moi.ir/portal/home>). مروری بر این آمار و ارقام گویای این است که مشارکت سیاسی مردم در دوران بعد از انقلاب اسلامی از میانگین قابل توجهی برخوردار است. به‌عنوان مثال طی ۱۰ دوره انتخابات مجلس از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۰، این رقم میانگین حدود ۶۰/۳۰ درصد بوده است («میانگین مشارکت مردم در ۱۰ دوره انتخابات مجلس»، خبرگزاری آنا، قابل دسترسی در آدرس: <https://ana.ir/fa>). همچنین میانگین شرکت در ۱۲ دوره انتخابات ریاست جمهوری بیش از ۶۵ درصد بوده است (خواجه سروی و جعفرپور کلوری، ۱۳۹۳: ۷۰). به طور کلی، در چهل سال گذشته، مردم ۳۶ بار برای تعیین سرنوشت خود پای صندوق‌های رأی آمده‌اند. سه همه‌پرسی، یک انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، پنج دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، پنج دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و دوازده دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شده و حدود ۸۵۰ میلیون برگه رأی توسط مردم به داخل صندوق‌های رأی ریخته شده است (این آمار بدون در نظر گرفتن دور دوم انتخابات یا انتخابات میان‌دوره‌ای است) (<https://www.isna.ir/news/97110804275>).

بنابراین آرمان مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی خود، با فراز و فرودهایی در طول چهل سال از انقلاب اسلامی ادامه داشته و جمهوری اسلامی از نظر ساختاری توانسته است نهادهای مردم‌سالار را حفظ کند. با این همه، این موضوع نیازمند تعمیق بیشتر است و محتوای اصلی آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی که بر آزادی و حق تعیین سرنوشت از سوی مردم متکی است، نیازمند بازتعریف سازوکارهای موجود است تا مردم‌سالاری تنها وجهه نهادی و ساختاری به خود نگردد؛ بلکه در حوزه عمومی جامعه نیز این آرمان تحقق بیشتری یابد و احساس مشارکت مردم در قدرت بیشتر در آنها پدید آید.

۲.۴. استقلال سیاسی و جلوگیری از مداخلات بیگانگان

استقلال سیاسی به معنای دخالت نکردن قدرت‌های بیگانه در اموری است که به آن کشور مربوط می‌شود. استقلال، که تأمین‌کننده امنیت یک کشور است، اصل بنیادین موجودیت و شرط لازم در شکوفایی و پیشرفت یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از ابعاد مهم استقلال سیاسی توانایی مقاومت در مقابل مداخلات قدرت‌های بیگانه است که یکی از آرمان‌ها و آرزوهای تاریخی ملت ایران محسوب می‌شود.

در دوران جمهوری اسلامی ایران، اقدامات مختلف دشمنان، از آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای اروپایی تا گروهک‌های تروریستی اطراف مرزها، در قالب حمله نظامی، تحریم اقتصادی، ترور و... هیچ‌گاه سبب نشده است اراده قدرت‌های بیگانه تعیین‌کننده سیاست‌ها و تصمیمات دولت ایران باشد. طی این سال‌ها تعاملات دیپلماتیک ایران با جهان خارج آمیخته با سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بوده است و این نوع تعاملات، نهادینه شدن استقلال ایران در حوزه بین‌الملل را در پی داشته است. جمهوری اسلامی ایران با رویکردی عقلانی و نه هیجانی و بی‌برنامه، سیاست خارجی‌اش را به صورت مستقل و از طریق دولت، مجلس و نهادهای عالی نظام تعیین کرده و این سیاست‌ها که در آموزه‌های انقلاب اسلامی ریشه دارد، شاید در برخی مواقع، با سرعت کمتر یا بیشتر ادامه یافته؛ اما جهت‌گیری آنها تغییر نکرده است. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی همچون نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبارزدایی، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان و محرومان، حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، مداخله نکردن در امور داخلی کشورها و احترام متقابل، تعهد به قراردادهای، معاهدات و قوانین بین‌المللی و... در همه شرایط دنبال شده است.

افزون بر این، استقلال سیاست خارجی ایران چندین سال است که با اقتدار و برتری در حوزه بازدارندگی نظامی همراه شده و اکنون قدرت‌های جهانی با کشوری مواجه هستند که سیاست‌های مستقل خود را در حوزه بین‌الملل دنبال می‌کند و اقدام سختی نمی‌توانند علیه آن انجام دهند و از همین‌رو، انواعی از روش‌های نیمه‌سخت و نرم را به کار گرفته تا ایران را به عقب‌نشینی مجبور کنند. به عبارت دیگر، افزایش تحریم‌ها و جنگ رسانه‌ای آمریکا و هم‌پیمانانش

علیه جمهوری اسلامی ایران، واقعیت استقلال سیاسی ایران در حوزه‌های داخلی و خارجی را نشان می‌دهد.

نکته مهم این‌که اگر بسیاری از کشورها استقلال سیاسی خود در حوزه خارجی را مبتنی بر قدرت نظامی یا نفوذ در نهادهای بین‌المللی پیش می‌برند، جمهوری اسلامی این استقلال را بیشتر به پشتوانه قدرت مردمی خود و نفوذ فرهنگی در میان ملت‌های جهان، به‌ویژه ملل مسلمان و مستضعف جهان دارد و این موضوعی کم‌سابقه در حوزه سیاست بین‌الملل است. همین وضعیت سبب شده است امروزه روحیه استقلال‌خواهی و استکبارستیزی در میان ملت‌های منطقه در مقابل نظام سلطه افزایش یابد. در واقع جمهوری اسلامی ارزش استقلال‌خواهی را به ملت‌های منطقه صادر کرده است. این مهم را با مروری بر تحولات سال‌های اخیر در منطقه می‌توان یافت.

بنا بر این، آرمان استقلال و رفع مداخله بیگانگان که در طول تاریخ معاصر ایران جزء آرزوهای بزرگ ملت ایران بوده است، طی چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی با قدرت اجرایی شده و البته حفظ این آرمان بدون تحمل فشارهای سیاسی و اقتصادی ممکن نیست.

۲.۵. رشد دینی و سطح آگاهی جامعه

چنان‌که گذشت، آرمان‌ها و اهداف فرهنگی، در هم‌تنیده با آرمان‌های سیاسی در انقلاب اسلامی بوده و اهمیت زیادی برای مردم ایران داشت. در این میان، نقطه مرکزی اهداف فرهنگی، اجرای دستورات و تعالیم اسلامی بود. این آرمان و اهداف با استقرار جمهوری اسلامی باید عملیاتی شود و در اینجا اقدام اساسی، برقراری موازنه میان دستورات و احکام دینی با خواسته‌ها و علایق دنیایی و مظاهر پیشرفت و تمدن بود. حضرت امام خمینی علیه السلام به هیچ‌وجه به اسلام منهای دنیا و پیشرفت قائل نبود و آن را اسلام ارتجاعی می‌دانست. ایشان معتقد بودند: «همه مظاهر تمدن را انبیا قبول دارند؛ لکن مهارشده؛ نه مطلق و رها شده» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۸، ج: ۸، ص: ۵۱۷).

بر این اساس، نخبگان و خبرگان سیاسی در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب، پیوند میان اجرای دستورات اسلامی با پیشرفت مادی و دستیابی به تمدن این جهانی را از طریق تدوین

قانون اساسی دنبال کردند. در این جهت، اصول سوم و سی‌ام قانون اساسی، دولت را به «تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» موظف کرد و ضمن تأکید بر گسترش نظام و ابزارهای جدید آموزشی، در اصل دوم، لزوم «استفاده از علوم و فنون و تجارت پیشرفته بشری» را مطرح کرد. اصل بیست‌ویکم دولت را موظف کرد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او را فراهم کند و آزادی نشریات و مطبوعات، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی (مشروط به مخل نبودن به مبانی اسلام)، در اصل بیست‌وچهارم تأیید شده است. دستیابی به هدف مهم پیوند میان دین و دنیا (سنت و مدرنیته) نیازمند ایجاد ساختارهای آموزشی مناسب بود و انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ نیز در چارچوب کلی این هدف صورت گرفت. انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها سبب شد تا این نهاد در مسیر وظیفه اولیه‌اش که کسب و توسعه علم و دانش بود، قرار گیرد و جولان گروه‌های سیاسی و گروهک‌های مسلح در آن پایان یابد (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۹۷-۶۲۲).

ایجاد تحول در نظام آموزشی کشور در حالی بود که با وقوع جنگ تحمیلی، جبهه‌های دفاع مقدس نیز خود به مدرسه و دانشگاه بزرگی از تعلیم و تربیت دینی، رشد خودباوری و خلاقیت و ابتکار جوانان کشور تبدیل شده بود و افزون بر این که سبب تولید فرهنگ معنوی شد و هویت ملی ایرانیان را با هویت دینی آنان در میدان عمل پیوند داد. سال‌های دفاع مقدس، محیط مناسبی برای عملی شدن آرمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی بود که به تولید و تکثیر فرهنگ مقاومت اسلامی انجامید و در سال‌های بعد منبع اعتماد به نفس و شجاعت مردم ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقابل تهدیدات واقع شد.

از نظر گسترش ارزش‌های دینی که همانا محتوای اصلی آرمان‌ها و اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی است، وضعیتی که در حال حاضر مشاهده می‌شود، گویای این است که جمهوری اسلامی زمینه‌های زیادی را در جهت تحقق این هدف و خواست مردم فراهم کرده و البته هرچند در وضعیت کنونی گرایش‌های مادی و منفعت‌طلبانه افزایش یافته و خطر دین‌گریزی در میان بخش‌هایی از جامعه جدی شده است؛ اما در وقوع این پدیده نباید اثرگذاری تهاجم فرهنگی را از نظر دور داشت. جمهوری اسلامی مبتنی بر آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، فرصت‌هایی را برای رشد و تعالی معنوی انسان ایجاد کرده است که در یک نظام غیر دینی دستیابی به آنها ممکن

نیست؛ آموزش و پرورش اسلامی و آشناسازی فرد ایرانی از همان آغاز کودکی با فضایل دینی، تبلیغات اسلامی، برنامه‌های دینی و تربیتی در رسانه‌ها و به‌ویژه در صدا و سیما، برگزاری مراسم‌های مذهبی همچون اعتکاف، راهپیمایی اربعین، نماز جمعه و جماعات و... از جمله این فرصت‌هاست.

مقام معظم رهبری رشد معنوی در جامعه ایران و به‌ویژه در میان جوانان را «رو به جلو» دانسته و در این باره می‌فرماید:

بنده به‌خصوص در ماه رمضان‌ها و همچنین محرم و صفر از این معنا استفاده می‌کنم و از کسانی سؤال می‌کنم که بروند تحقیق کنند، کار کنند و ببینند نسبتِ جلساتِ امسالِ ماه رمضان به سال گذشته چیست؛ می‌روند گزارش می‌آورند؛ انسان واقعاً حیرت می‌کند از این پیشرفت، از این حرکتِ رو به جلو (-[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40421)

از نظر رشد آگاهی و شناخت در جامعه نیز که هم هدفی دینی است و هم جایگاه مهمی در دیدگاه‌های رهبران و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی دارد، وضعیتی که اکنون در جامعه ایران مشاهده می‌شود، افزون بر پیشرفت در حیطه علوم کمی و طبیعی، پیشرفت بصیرت و شناخت دینی و سیاسی را که غایت علوم انسانی است، نشان می‌دهد. اولین نشانه در این زمینه رشد علم در دوران پس از انقلاب اسلامی در مقایسه با دوران پیش از انقلاب است. البته آرمان آگاهی و شناخت با افزایش سطح علم، چندان قابل فهم نیست؛ اما در هر حال علم از لوازم اصلی این هدف است. در خصوص این موضوع، مقالات و کتب زیادی نوشته شده؛ اما در اینجا از باب نمونه می‌توان برخورداری ایران از سریع‌ترین نرخ رشد علمی جهان که ۱۱ برابر نرخ رشد میانگین جهانی است (دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول ۴۰ سال گذشته در حوزه «علم و نخبگان»، قابل دستیابی در آدرس www.farsnews.com) را مورد توجه قرار داد.

نشانه مهم‌تر از کسب سواد و تحصیلات عالی، شناخت و بصیرت انسان نسبت به وضعیت خویش و تلاش در جهت حرکت به سوی فضائل و آرمان‌های والا است که این موضوع در جامعه کنونی ایران وضعیتی به مراتب بسیار بهتر از جوامع اطراف یا دنیای غرب دارد. البته اثبات این ادعا نیازمند بحث و بررسی زیادی است؛ اما اگر در یک مورد بسیار مهم تأمل کنیم، این ادعا را معتبر خواهیم دید و آن موضوع «معانی برآمده از حضور توده‌ای» افراد در جامعه ایران و جوامع

غربی است. اگر در جامعه ایران اجتماعات توده‌ای برقرار می‌شود، یا آرمان‌ها و فضایل دینی و انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، یا فضایل سیاسی به معنای عام آن همچون آزادی عقیده و بیان و یا مطالبات معیشتی و اقتصادی طرح می‌شود؛ اما هیچ‌گاه اجتماعی در جامعه ایران با هدف دین‌گریزی، همجنس‌بازی، آزادی سقط جنین و... شکل نگرفته است، حال آن‌که اجتماعات در جوامع غربی در بهترین حالت، ایده‌های ملی‌گرایانه و نژادپرستانه را دنبال می‌کنند، چنان‌که امروزه ظهور جریان‌های ملی‌گرا در غرب و از جمله در آلمان با عنوان نئونازی‌ها، به یک چالش اساسی در کشورهای غربی تبدیل شده ([https://per.euronews.com/2013/05/14/neo-nazi-trial-](https://per.euronews.com/2013/05/14/neo-nazi-trial-makes-mockery-of-security-authorities) makes-mockery-of-security-authorities) و انتخاب ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا، این گرایش‌ها را تقویت کرده و روحیه آنها را بالا برده است. از این جهت می‌توان ادعا کرد، بینش و بصیرت مردم جامعه ایران که آنان را به آرمان‌گرایی واقع‌بینانه سوق می‌دهد، امروزه از وضعیت کم‌نظیری در مقایسه با دیگر جوامع برخوردار است و این وضعیت به معنای تحقق نسبی آرمان‌ها و اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی است.

۲.۶. عدالت اقتصادی و رسیدگی به مستضعفان

چنان‌چه در بحث آرمان‌های انقلاب اسلامی گفته شد، مهم‌ترین آرمان در حوزه اقتصاد، برقراری عدالت، کاهش فاصله فقیر و غنی و حمایت از مستضعفان بود. توجه اساسی بنیانگذار جمهوری اسلامی به ضرورت رسیدگی به مستضعفان که آنان را صاحبان اصلی انقلاب می‌دانستند، در همان هفته‌های نخست پس از پیروزی انقلاب صورت عملی به خود گرفت و طی آن کمیته امداد امام خمینی علیه‌السلام در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ با هدف ساماندهی و رسیدگی به وضعیت معیشت امور محرومان و نیازمندان کشور تأسیس شد. این نهاد از آغاز تأسیس تاکنون توانسته است نقش مهمی در عملی شدن آرمان رسیدگی به مستضعفان ایفا کند. فعالیت‌های کمیته امداد امام علیه‌السلام در جهت امدادسانی و حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند با رعایت کرامت انسانی و عزت نفس آنان، حمایت هدفمند از ایشان و ترویج فرهنگ کار میان افراد و خانواده‌های تحت پوشش، تلاش برای پیشگیری از تولید نظام‌یافته فقر در کشور، کمک به بهبود فضای کسب و کار و اشتغال پایدار اقشار نیازمند، ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی در

جهت توانمندسازی نیازمندان شامل توسعه پوشش بیمه اجتماعی، فراگیر کردن بیمه درمان و ارتقای کمی و کیفی خدمات حمایتی پایه اعم از مسکن، آموزش و معیشت نیازمندان، ترویج فرهنگ انفاق و ایثار و نیکوکاری و نشر سنت‌های حسنه اسلامی و در نهایت تلاش مستمر برای مردمی شدن حمایت از محرومان صورت گرفته است (صادقی، ۵۶۳۵۱/moqavemati.net).

دیگر سازمانی که در همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی با هدف برقراری عدالت و کاستن از فاصله طبقاتی در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، بنیاد مستضعفان و جانبازان بود. این بنیاد در نهم اسفند ماه سال ۱۳۵۷ در پی صدور فرمان امام خمینی علیه السلام خطاب به شورای انقلاب تأسیس شد. به موجب فرمان حضرت امام علیه السلام، شورای انقلاب مأموریت یافت همه اموال منقول و غیر منقول سلسله پهلوی و کارگردانان اصلی این رژیم را که از بیت‌المال اختلاس کرده‌اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره کند.

بنیاد مستضعفان که در سال ۱۳۶۷، طبق فرمان امام علیه السلام، رسیدگی به امور جانبازان را نیز در دستور کار قرار داد، سهم مهمی در رسیدگی به محرومان و مستضعفان و همچنین خانواده‌های شهدا و جانبازان داشته است. این بنیاد در مجموع حدود ۱۵۰ شرکت و بنگاه وابسته به خود دارد و این شرکت‌های عظیم سبب شده تا سهم بنیاد در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قابل توجه باشد. نکته مهم سهم فعالیت‌های این بنیاد در محرومیت‌زدایی و رسیدگی به مستضعفان و همچنین خانواده‌های جانبازان است. در این زمینه طبق آنچه سعیدی‌کیا، رئیس پیشین بنیاد گفته است، کلیه فعالیت‌های محرومیت‌زدایی بنیاد مستضعفان در بنیاد علوی انجام می‌شود و ۴۳ درصد از سود شرکت‌های بنیاد مستضعفان به آن واریز می‌شود و این مبلغ در بخش‌هایی چون خدمات حمایتی، اجتماعی، فرهنگی، سلامت، توانمندسازی و اشتغال هزینه می‌شود (27093/25/moqavemati.net).

مبارزه با فقر و رسیدگی به محرومان، فارغ از این‌که تاکنون چه میزان موفق بوده یا خیر، از همان روزهای اول انقلاب یک موضوع شعاری نبود و رهبران جمهوری اسلامی توجه عملی نسبت به این موضوع داشته‌اند. طبق مطالعات آماری، وضعیت بسیار بهتری نسبت به دوران پیش از انقلاب دارد. مقایسه استانداردهای زندگی در دوران پیش و پس از انقلاب نشان

می‌دهد، حتی بدون این که سرانۀ تولید ناخالص داخلی کشور افزایش قابل توجهی داشته باشد، میزان فقر کاهش یافته و این یعنی وضعیت نسبی فقرا در جامعه ایران بهبود یافته است. آمارها و تحقیقات ارائه شده بر اساس مستندات نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی نشان می‌دهد، پیش از انقلاب، ضریب جینی ایران حتی از عدد ۵۰ نیز فراتر رفته است؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت شکاف طبقاتی در جامعه ایران بسیار بهتر از پیش از انقلاب شد، به گونه‌ای که بر اساس مستندات آمار بانک جهانی است، ضریب جینی در سال ۲۰۱۳ به ۳۷٫۳ واحد می‌رسد که کم‌ترین رقم در طول تاریخ پیش از انقلاب و پس از انقلاب بوده است. بر اساس این، شاخص برابری و عدالت در توزیع درآمد طی ۴۰ سال حدود ۲۶ درصد رشد داشته است (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/137/01/20/1693683>).

آنچه گذشت البته به معنای از حساسیت خارج شدن مشکل نابرابری و فاصله طبقاتی نیست و این موضوع همچنان یکی از معضلات کلان جمهوری اسلامی است؛ اما همه بحث بر سر این است که جمهوری اسلامی مبانی و ساختار تولید بی‌عدالتی و نابرابری را از بین برده است و وضع موجود عدالت بسیار بهتر از پیش از انقلاب است؛ اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله بسیاری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی - تحلیلی دوران بعد از انقلاب اسلامی، پاسخ به سؤال ابتدایی این مقاله را می‌دهد. از آنچه گذشت می‌توان گفت نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی در چهل‌سالۀ اولیه خود با رخدادها، حوادث، فرصت‌ها و تهدیدات متنوعی روبرو شده است و این حجم از مسائل مختلف که بخش قابل توجهی از آن‌ها شامل تهدیداتی برنامه‌ریزی شده از جانب دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی، یعنی آمریکا و وابستگانش، بوده و هست، توانایی متوقف کردن جمهوری اسلامی و یا دورشدن از آرمان‌های انقلاب اسلامی را داشت؛ اما در دوران بعد از انقلاب نه‌تنها آرمان‌های انقلاب اسلامی متوقف نگردید و یا نظام جمهوری اسلامی از آن‌ها رویگردان نشد؛ بلکه این آرمان‌ها درون ساختار و نهادهای جمهوری اسلامی به‌صورت نسبی تثبیت و نهادینه گردید و از آنجا که «درهم‌تنیدگی آرمان با نهاد»

عامل اصلی تداوم حیات یک آرمان و اندیشه است، بنابراین وجود چنین وضعیتی در دوران بعد از انقلاب اسلامی عامل اصلی تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و به سؤال اولیه تحقیق پاسخ می‌دهد. در دوران بعد از انقلاب اسلامی با برپایی حکومت دینی و حفظ آن در مقابل انواع تهدیدات داخلی و خارجی، ایجاد سازوکار مشارکت مردم در قدرت و دفاع از آزادی‌های سیاسی مشروع، آرمان‌های انقلاب اسلامی در حوزه سیاست به صورت نسبی محقق شد؛ در حوزه فرهنگ نیز قانون اساسی از سازگاری میان اجرای دستورات اسلامی با پیشرفت مادی دفاع و حمایت کرد، انقلاب فرهنگی زمینه تحول در نظام آموزشی کشور، اسلامی کردن محتواهای آموزشی و رشد علم و دانش را فراهم نمود و نهادهای دینی خودجوش در جامعه نیز ایجاد گردیده و زمینه گسترش ارزش‌های دینی در جامعه فراهم گردید و بدین ترتیب آرمان‌های فرهنگی انقلاب اسلامی در مسیر تحقق قرار گرفت. در حوزه اقتصادی نیز نهادهای مشخصی با هدف تحقق آرمان عدالت و رسیدگی به محرومین که مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد بوده و هست، ایجاد شدند و مجموعه اقدامات آنان سبب شد تا آرمان عدالت نسبت به دوران قبل از انقلاب به میزان بسیار چشم‌گیر و بی‌سابقه‌ای نهادینه و عملیاتی گردد؛ هرچند تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله وجود دارد.

نکته مهم این‌که چون نظام و ساختار جمهوری اسلامی ایران در هم‌تنیده با مشارکت سیاسی مردم بوده و از این طریق حیات خود را ادامه می‌دهد، بنابراین حضور و تثبیت نسبی آرمان‌ها در نهادها و ساختارهای جمهوری اسلامی، به معنای سرزنده بودن این آرمان‌ها و ارزش‌ها در جامعه و حیات ملت ایران است و این دو رابطه متقابل با یکدیگر دارند.

شکل‌گیری و تثبیت این وضعیت، دستاورد بسیار مهمی را به دنبال می‌آورد و آن فراهم کردن مبانی و زمینه‌های پایدار رشد و تعالی سرزمین و ملت ایران است. یک ملت زمانی که در رویارویی با انواع مشکلات داخلی و تهدیدات خارجی بتواند حیات سیاسی خود را در پیوند با ارزش‌ها و آرمان‌های برآمده از فرهنگ و سنت خویش ادامه دهد، مبانی و زمینه‌های رشد و تعالی آن استوار شده و می‌تواند گام‌های بعدی را به سوی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی بردارد و اساساً صدور بیانیه گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری، بیانگر همین موضوع است. بدون استوار کردن این زمینه و نهادینه‌سازی این مبانی در نسل‌های جدید، حیات سیاسی یک ملت

دستخوش تحولات زود هنگام می شود و حرکت و رشد آن به بن بست می رسد. این موضوع برای جامعه و ملت ایران که همواره به جهت موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه خود در معرض تهاجمات بیگانه قرار داشته و از سوی دیگر به جهت برخورداری از سنت دینی و مذهبی قوی، در رویارویی با مدرنیته، درگیر با مسائل و تحولات جدیدی شده است، از ضرورت بسیار بیشتری برخوردار است.

پایداری مبانی و زمینه های رشد و تعالی ملت ایران که اولین دستاورد تداوم حیات آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی و عدم بازگشت از آنهاست، را می توان در نشانه هایی همچون ثبات سیاسی، وحدت سرزمینی، استقلال، آزادی و دستیابی مردم به حق تعیین سرنوشت سیاسی مشاهده کرد؛ پدیده هایی که قبل از انقلاب اسلامی اثری از آنها وجود نداشت. نکته مهم این که این نتایج پدیده هایی درون زاء، متکی بر حضور و مشارکت مردم و همبستگی ملی و ایمانی جامعه ایران است؛ نه این که محصول حاکمیت یک نظام استبدادی یا وابستگی به قدرت های بیگانه باشد. به این ترتیب، حرکت جمهوری اسلامی در مسیر آرمان ها و اهداف تعریف شده مبتنی بر عقاید و باورهای دینی مردم، زمینه ذخیره سرمایه های مادی و معنوی و ثبات و آرامش سیاسی شده است.

منابع

- امام خمینی علیه السلام، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، مجلدات ۶ و ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- برزین، سعید (۱۳۷۴)، زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: نشر مرکز.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۹)، جامعه شناسی شعارهای انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خواجه سروی، غلامرضا و رشید جعفرپور کلوری (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی در دوره پهلوی دوم و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۳.
- روحانی، سیدحمید (۱۳۶۴)، نهضت امام خمینی علیه السلام، جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

- سازمان مجاهدین خلق (۱۳۸۵)، *از پیدایی تا فرجام*، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۱)، «بررسی اهداف ایده‌آل‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه‌السلام»، در *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۹، شماره ۲۰.
- علی‌بابایی، داود (۱۳۸۴)، *۲۵ سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا خاتمی)*؛ تهران: امید فردا.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۷)، *تحولات سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)*، جلد اول و دوم، تهران: چاپ و نشر عروج.
- کردی، علی (۱۳۸۹)، «التقاط در کزراهه ترور»؛ در *کتاب ماه فرهنگی تاریخی یادآور*، شماره‌های ۶، ۷ و ۸.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۴)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه*، چاپ دوم، تهران: مؤلف.
- مدنی، سیدجلال (۱۳۸۳)، «آسیب‌های ناخواسته؛ مروری گذرا بر مهم‌ترین تحولات ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی»؛ *فصلنامه زمانه*، شماره ۲۰.
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (۱۳۹۴)، *تاریخ انقلاب اسلامی، ریاست‌جمهوری (۱) دوره‌های اول تا چهارم*؛ تهران: انتشارات مؤسسه.
- مهدی عراقی، مهناز (۱۳۹۲)، «واکاوی جریان‌ها و غائله‌های سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰»؛ *فصلنامه فرهنگ انقلاب اسلامی*، شماره ۷.
- یزدی، ابراهیم (۱۳۶۳)، *آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها (مطالبی ناگفته پیرامون انقلاب اسلامی ایران)*؛ تهران: قلم.

پایگاه‌های اینترنتی

- «انتخابات‌های برگزار شده در جمهوری اسلامی»؛ پورتال ستاد انتخابات کشور، <https://moi.ir/portal/home>
- «آمار مستند به بانک جهانی از ضریب جینی بالای ۵۰ ایران قبل از انقلاب»؛ خبرگزاری تسنیم، www.tasnimnews.com
- بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ‌های ۱۳۷۸/۴/۲۱، ۱۳۸۸/۷/۲، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹، ۱۳۸۸/۹/۲۲، ۱۳۸۸/۵/۱۹ و ۱۳۹۷/۶/۱۵: <http://farsi.khamenei.ir>

- پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی؛ «حادثه کوی دانشگاه چگونه شکل گرفت؟»، ۱۹ تیر ۱۳۹۲، www.farhangnews.ir.
- «رشد نگران کننده آمار نئونازی‌ها در آلمان»، <https://fa.euronews.com>.
- صادقی، احمد؛ «مرور کمیته امداد از شکل‌گیری تا دستاوردها»، منتشر شده در پایگاه خبری - تحلیلی اقتصاد مقاومتی، www.moqavemati.net.
- «گزارش فارس از رویارویی اصلاح‌طلبان با قانون؛ بخش نخست»، www.farsnews.com.
- دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول ۴۰ سال گذشته در حوزه «علم و نخبگان»، www.farsnews.com.
- «میانگین مشارکت مردم در ۱۰ دوره انتخابات مجلس»، خبرگزاری آنا، <https://ana.ir/fa>.
- «۸۵۰ میلیون برگه رأی در چهل سال برگزاری انتخابات»، خبرگزاری ایسنا، <https://www.isna.ir>.
- «۲۵ نکته مهم درباره فعالیت‌های اقتصادی بنیاد مستضعفان»، برگرفته از مصاحبه‌های مهندس سعیدی کیا، پایگاه خبری - تحلیلی اقتصاد مقاومتی، www.moqavemati.net.